



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.ketab.ir

گراماتی از

مهری

- سرشناسه: محمودی، زینب، ۱۳۵۵ -
- عنوان و نام پدیدآور: کراماتی از مهدی موعود
(عج)/نویسنده زینب محمودی.
- مشخصات نشر: قم: نشر جمال، ۱۴۰۰.
- مشخصات ظاهری: ۱۳۶ص.
- شابک: ۹۶۴-۲۰۲-۹۶۴-۹۷۸
- وضعیت فهرست نویسی: فیا
- یادداشت: کتابنامه: ص ۳۵
- موضوع: محمد بن حسن (عج) امام دوازدهم،
۲۵۵ق. --- کرامت‌ها -- داستان
- موضوع: --- Muhammad ibn Hasan, Imam XII
Fiction --- Karamat
- موضوع: داستان‌های اخلاقی -- مجموعه‌ها
- موضوع: Ethical fiction* -- Collections
- رده‌بندی کنگره: BP۵۱/۳۵
- رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۹
- شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۹۰۵۰۵



کراماتی از مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الدیوب

نویسنده: زینب محمودی

ویراستار: عاطفه شادات موسوی

گرافیکست: محمود کریمی

مدیر فنی چاپ: محمد علی قهرمانی

ناشر: جمال

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۴۰۰

شمارگان: ۳۰۰۰

چاپ: خاتم الانبیا

صحافی: همت

دفتر قم: ۰۲۵-۳۱۶۵۳

دفتر تهران: ۰۲۱-۶۶۴۸۷۱۱۸

پخش: پاتوق کتاب ۰۲۵-۳۱۰۷۷



نشر جمال
Jamal Publication

© تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست

- ۹ سرآغاز سخن
- ۱۵ (۱) صاحب الامر کیست؟
- ۱۶ (۲) به دعای صاحب الامر علیه السلام
- ۱۷ (۳) از دست ما بنوش!
- ۱۹ (۴) ناله از دل
- ۲۲ (۵) به وعده‌ات وفا کن!
- ۲۵ (۶) صحیفه سجادیه
- ۲۸ (۷) در آرزوی ملاقات
- ۳۰ (۸) رقعہ را بده!
- ۳۲ (۹) به اذن خدا برخیز!
- ۳۴ (۱۰) از خلیفه چیزی قبول مکن
- ۴۰ (۱۱) زخم نبرد صفین
- ۴۲ (۱۲) از حضرت قائم پیرس!
- ۴۴ (۱۳) مقام صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشريف
- ۴۸ (۱۴) دایات از سفر آمده!



- ۵۱ (۱۵) به فکر شما هستیم
- ۵۴ (۱۶) به کجا نگاه می‌کنی؟
- ۵۷ (۱۷) نذر شما قبول است
- ۶۰ (۱۸) نگران شهریه نباشید!
- ۶۲ (۱۹) مزاحم نشدم
- ۶۳ (۲۰) مفاتیح را زیر لباس هایت بگذار
- ۶۵ (۲۱) از کدام راه می‌آیی
- ۶۷ (۲۲) امام زمان را امتحان می‌کنی؟
- ۶۹ (۲۳) این قدر گریه نکن
- ۷۱ (۲۴) برای فرج بکشد
- ۷۳ (۲۵) بگو بیاید جمعه
- ۸۰ (۲۶) بگو صاحب الزمان
- ۸۲ (۲۷) بلند شو! پدرت ناراحت است
- ۸۴ (۲۸) بلند شو شفا یافتی
- ۸۶ (۲۹) تابلوی راهنما
- ۸۹ (۳۰) جهیزیه با من
- ۹۱ (۳۱) چه کسی به خاطر من آمده؟
- ۹۴ (۳۲) حالت چطور است؟
- ۹۶ (۳۳) خداوند به ایشان بچه خواهد داد
- ۹۷ (۳۴) در سلول علی اکبر
- ۱۰۴ (۳۵) روضه حضرت حمزه
- ۱۰۶ (۳۶) زخم زبان به جانباز



سرآغاز سخن

سال‌ها پیش سخنی از یک کشیش درباره امام زمان علیه السلام خواندم که برایم جالب بود. او گفته بود چنانچه شیعه به جای هر چراغ در نیمه شعبان یک ورق کاغذ برای روشن‌گری ذهن حکمران نوشته بود، هم‌اکنون شهرت امام زمان علیه السلام از حضرت مسیح بیشتر بود. هر چند تا این سخن، دست شستن از چراغانی نیمه شعبان غلط است و نباید شادی نمودن برای ولادت آن حضرت را تعطیل کرد؛ ولی شایسته است که شیعه همراه هر چراغی که به عنوان شادی و سرور روشن می‌کند، با چاپ، خواندن، ترویج یا اهدای یک کتاب، محبت خود را ابراز نماید و برای روشن نمودن ذهن عاشقان و خواستاران امام زمان علیه السلام یک تلاش فرهنگی انجام دهد. این اثر به انگیزه اقتناع علاقمندان و بارور کردن ایمان قلبی عاشقان نگاشته شده است.

چند نکته پیرامون امام زمان علیه السلام و رابطه آن با نگارش و انتخاب حکایت‌های این مجموعه به نظر می‌رسد که تقدیم می‌گردد:

۱. امام زمان علیه السلام که از آن حضرت به «مهدی موعود موجود» تعبیر می‌شود، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است. آن حضرت در پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در شهر سامرا به دنیا آمد. وی تاکنون بیش از هزار سال

عمر کرده که امری واقعی، ممکن و درست اما شگفت است. هر چند این طول عمر با آنچه از زندگی عادی انسان ها می شناسیم امری طبیعی به نظر نمی رسد؛ اما با عنایات پروردگار چنین امری ممکن است و بارها رخ داده است. شیعه بر این باور است که حضرت عیسی زنده است و تاکنون بیش از دوهزار سال عمر کرده است. حضرت خضر زنده و بیش از شش هزار سال عمر دارد.

۲. امام زنده عصر کنونی حجت خداوند روی زمین بوده و بر هر چه در عالم می گذرد آگاه است. اعمال و رفتار شیعیان را به طور ویژه مورد بررسی قرار می دهد و از دیدن کارهای نیک آنان دل شاد و از رفتارهای نادرست آنان غمگین می شوند. همچنان که رفتار و افکار کافران و ستمگران را نیز به خوبی می داند.

۳. باور به حضور امام زنده منجی آخرالزمان که به همه افکار و کردار و گفتار آدمیان، ناظر و شاهد است دو اثر ویژه دارد:

الف: فرد معتقد را و او می دارد کار رفتارهای خود را بر اساس موازین دینی تنظیم کند؛ زیرا هنگامی که پیشوای او پرونده اعمال او را می نگرد از او راضی و خرسند باشد و برای توفیق های بالاتر، برای او دعا کند.

ب: هر چند تلخی های جهان بسیار و بی پایان است و ستم های ظالمان بی شمار و جان فرسا؛ اما باور به اینکه همه این رنج ها را در محضر امام زمان علیه السلام تحمل می کنیم و ایشان نظاره گر مظلومیت ها و ستم دیدن جامعه است از زهر تلخی مشکلات روزگار می کاهد و امید به آینده ای روشن را در دل عاشقانش می افروزد.

با توجه به این دو اثر تربیتی و سازنده اعتقاد به امام زمان علیه السلام، منتظران واقعی آن حضرت انسان هایی شاداب، فعال و سودمند برای جامعه خواهند بود. انسان های دین دار که در فکر شاد نمودن امام خویش و در آرزوی برخورداری از دعای آن حضرت هستند و با امید به آینده ای که آن حضرت



پدید خواهند آورد شاد و پر نشاط مشغول به خدمت رسانی به خَلق خداوند.
۴. انسانی که در انتظار مُصلح جهانی نشسته است و چنین انتظاری را برتر از همهٔ اعمال می‌داند، بی‌گمان عاشقِ صلاح و درستی نیز هست. از این رو تلاش می‌کند ابتدا خویش را اصلاح نماید و در جادهٔ دین و شریعت حرکت کند و سپس می‌کوشد جامعه نیز در این راه اصلاح‌گرایانه، پویا و کوشا باشد.

اعتقاد به یک منجی که مأموریت گناه‌شویی انسان‌های فاسد و تبه‌کار را برعهده دارد. یک انحراف فکری است. مسیحیت انحراف یافته همین باور را نسبت به حضرت عیسی علیه السلام دارد و به جای آنکه حضرت مسیح را پیام‌آور خداوند بداند و وی را روشن‌گر مسئولیت انسان برشمارد، وی را عاملی برای توجیه و تطهیر گناهان مسیحیان قرار داده‌اند. مسیحیان، پیشوای خود را شهید و فدایی امت خود می‌دانند و گمان می‌کنند که او قربانی شد تا تبه‌کاران امتش عاقبت نبیند. آنان به جای دوست داشتن درستی و تلاش برای خودسازی، همواره از پیامبر خدا برای پوشاندن رفتارهای زشت خود هزینه می‌کنند. مسیحیت انحرافی، پیامبر را هزینه تمیز کردن آلودگی‌های امت می‌کند و مهدویت، امام را عاملی برای امید بخشی به پیروانی که به اصلاح و خودسازی خویشتن پرداخته‌اند قرار داده است.

۵. عصر غیبت. به خاطر آماده بودن بستر شیطنهٔ شیاطین جنّ و انس، به عصر تاریک غبار آلودی تبدیل شده که دیدن حقیقت و دست یافتن به آن کمی دشوار شده است. عصر غیبت؛ یعنی عصر انتظار. و چه سخت است تشخیص انتظار درست و واقعی. برخی انتظار را به صورت نشسته می‌پسندند و برخی ایستاده. برخی تنها با دعا و گریستن، حق انتظار را به جا می‌آورند و برای آنکه جهان را ظلم و تباهی فرا بگیرد در برابر ظلم و ستم سکوت کرده یا تنها به نفرین ستم و ستم‌گر بسنده می‌کنند و دیگر هیچ. چنین انتظاری، انتظار منفعلانه و غیر فعال، نشان از نشناختن فلسفهٔ دین و امامت و مهدویت دارد. اشک و ندبه برای منتظران بسیار سفارش شده، نه برای اینکه تنها وظیفهٔ



منتظران گریه و زاری است؛ بلکه باید با شوق وصال و سوز دل در فراقی آن حضرت، نشاط برای فعالیت بیشتر در منتظران ایجاد شود و با پاکسازی شدن دل، با امید به آینده‌ای درخشان تلاش را بیشتر کرده تا زمینه ظهور زودتر به وجود آید. ظهور نه با زور ایجاد می‌شود و نه بی‌زمینه - که ان شاء الله به وسیله عاشق دلباخته حضرت حجت به وجود خواهد آمد - بنابراین امید به ظهور، مخدّری برای فراموش کردن ظلم ستم‌گران نیست؛ بلکه آرمان نیروبخشی است تا بر ستم و ستم‌گریشوریم و زمینه ظهور و برکندن ظلم‌ها از همه عالم را آماده سازیم.

البته به بهانه رفتارهای عملی و انتظار فعال، هرگز نباید ارزش سوز و اشک و آه را کم گرفت که سلاح بُرنده مؤمن، دعا و ندبه و اشک است. به یقین، آه مؤمن از آهن کافر برنده‌تر است.

۷. شیفته امام زمان، عاشق دیدار اوست و آرزو دارد با دیدن آن حضرت، درد هزار ساله فراقش را درمان کند. این شوق و این آرزو چه بسیار ارزشمند و گران قدر است.

زمزمه «مَتَى تَرَانَا وَ تَرَاكَ» و «وَأَنْظُرُ إِلَيْهَا نَظْرَةً رَحِيمَةً تَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكَرَامَةَ عِنْدَكَ» همواره بر لب‌های ما جاری است و در انتظار گوشه چشم و اظهار محبتی از سوی آن حضرتیم.

گاهی بر اثر غفلت و گاهی بر اثر سودجویی بر دیدار آن حضرت بیش از اندازه تأکید می‌شود، به گونه‌ای که ظاهراً بزرگ‌ترین وظیفه ما دیدار با آن حضرت است. تکیه و تأکید بر ملاقات با امام زمان علیه السلام به اندازه‌ای که دیگر وظایف دینی انسان را کم رنگ کند و انسان را از رعایت موازین شرعی غافل سازد و به جای عمل کردن به دستورات لازم‌الاجرای دین، تنها به دنبال دیدار آن حضرت یا دل‌باختگی به مدعیان دیدار با امام زمان علیه السلام باشد بی‌گمان ریشه در هوای نفس دارد. خودفریبی است که انسان به عشق دیدار امام خویش هر شب چهارشنبه به جمکران تشرف یابد؛ اما از آن سو، به دیدار والدین خود نرود و مادرش هفته‌ها



در انتظار فرزندش چشم به راه باشد. شوق دیدار اگر همراه با عمل به دستورات دین نباشد نشانه خودپرستی و خودخواهی است.

به راستی کسانی که تصمیمی برای اصلاح رفتار خویش ندارند از دیدار امام زمان علیه السلام چه می‌خواهند؟ کسی که از تذهیب نفس غافل گشته، به حق الناس بی توجه بوده، احترام والدین خود را به خوبی رعایت نمی‌کند، حق همسر یا فرزند را ادا نمی‌کند، ندای هل من ناصر رهبر خویش را نمی‌شنود، گوش و چشم و زبانش را بر حرام نبسته است، چگونه می‌خواهد بر جمال پر نور مولایش بنگرد؟

۷. در این وادی غبار آلود پر ظلمت کسانی نیز دکان زهد و خودفروشی باز کرده‌اند و با ادعاهای جور و اجور خود را ذوب در امام زمان علیه السلام معرفی می‌کنند. مانند ادعای دیدارهای پی در پی و ارتباط همیشگی و گاه یاری‌رسانی بسیار به آن حضرت.

متأسفانه «شوق به دیدار» در جامعه پر رنگ‌تر از عمل نمودن به دستورات امام زمان علیه السلام گردیده و به همین جهت دکان چنین مدعیان دروغگو پر رونق است. هر چند جامعه مهدوی ایران به درستی «انتظار فعال» را شناخته و کمتر کسی است که دروغ این مدعیان را باور کند؛ لکن کم برخی از امور، زیان و تأسف بسیاری همراه دارد.

جامعه باید هوشیار باشد تا از شور و شوق راستین جوانان و عزیزانش برای پیشبرد اهداف زشت و سخیف مدعیان دروغین سودجویی نشود. متأسفانه کسانی که در دام چنین افرادی گرفتار می‌شوند پس از مدتی نسبت به اصل مهدویت دچار مشکل می‌شوند. بنابراین شایسته است بیش از پیش نسبت به اصلاح افکار، گفتار و کردار خود حساس باشیم و شوق دیدار را همراه با بینش بالا و شناخت درست وظایف منتظران حفظ نماییم. امید آنکه چشم همه عاشقانش به زودی با ظهورش به جمال آن یوسف زهرا نورانی گردد.